

فدا و خلق

صاحب امتیاز
دکتر عبدالرحمن محمودی
مدیر مسئول
انجمن میر ولی احمد عطی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو
و فارسی نشر میشود

آدرس دفتر
جاده ۶ پور د - کابل
تلفون
آدرس تلگرافی: "خلق"
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

داده: علم ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره ۵۰ ششم سال اول پنجمشنبه ۲۹ حمل ۱۳۳۰

ایثار و فدا کاری ضامن سعادت است
چندگه عمری دوم با آنکه ملیونها بشر را صیقل روزی بدبخت ساخت
اما در صحنه سیاست بین المللی و حقوق بشر در شمار آروتنی
دیگری بخشیده و افراد گیتی را زنده تر ساخت - در آن زمان
پروفسوری که عمرش به فساد سال بود در یکی از ادارات
عدهای همان هنرمند مشغول خدمت بوده و حیوانات درسی و
تعلیمی امری است - در ابتدای که خطایه میداد و جوانان به
وقت کامل خطایه او را تصدیق میکردند پس مدتی و زمان داخل
اطاق خدایه گردیده و پسا کنی را که حواشی آن با خط
سیاه محدود و در گوشه آن خوش گندم سواد نقش سیاه
روزی را در برداشت و حاکی از مرگ جوانی بود که در میدان
جنگ برای حفظ ناموس و وطن جان داده بود به پروفسور
داد و برگشت - پروفسور با آنکه از ظواهر سلاطین حقیقت
را درک کرد ولی بی آنکه پسا کنی را باز کند در جیب خود نمود
و بصورت عادی بخطایه خود دوام داد - بعد از آنکه خطایه
اشختم شد و میخواست از اطاق خارج شود یکی از مصلحتین
با او نزد یک شده و اظهار نمود که ای خیریت است پروفسور
پسا کنی را از جیب خود خارج نموده از راه آنو کنرت را از پس
آن خارج کرد که در آن بخط جلی نوشته شده بود: "اقلی
۰۰۰۰ حمله خرد را برای حفظ ناموس و شرف ملت و مملکت
ایثار نمود و ایترای شما خود صلح و صلح خواهانیم"
پروفسور با خواندن مکتوب اشک ریخت و گریه - این و همچنین
بسیار هم است که در راه دفاع از شرافت و ناموس قوم فدا میشود
اما اکنون باید اشک روزی زیاد گرفتارند می دادیم که برای
دفاع از همین قربان سازم - خودم هم همیرو تا توانم و
توان هر دو را شستن صلاح را ندانم ۰۰۰ ای هموطنان گرامی!
این جملات و کجبهان روح خردی و مردی را در خود پنهان
دارد ما هم در تاریخ خورشید اشک بهار زنده ازین گونه فدا
گردد

شاغلی عبد الشکر و خان الم
حقوق ما ۰۰۰!
فضل و امتیاز انسان از سایر مخلوقات بر جایه گنده و ملوک محقق
بوده و با طاعت و احترام حق شرایع معلوم است اگر فرموده
حق در معنی لغوی خود، ملک را تمامیت دیگران ببرد است
تجارت را بدون اجازه مالکش بازن نداشته و ندارد - خطایه
حقوق مجموع حق را بدو حصه منقسم کرده اند: اول حقوق
طبیعیه دوم حقوق وضعیه
اول (حقوق طبیعی): حق آزادی - حق حیات و تاهون
راحت و خور و سندی را بر تاهون است که از بدو حاصل میشود
عطا فرموده ۰ دوم (حقوق وضعیه): حق دو حصه طبیعی
و شخصی تقسیم شده - حقوق طبیعی امروزه در ممالک عالم
حق مشروع هر فرد است مثلا حق انداختن - حق مراقبت
حکومت - حق عضویت در مجلس قانون - حق وضع قانون
حق تعیین مالیات که بعضی از آنها از تاهون کول مندرج است -
تحریر - آزادی بیان - آزادی اجتماع با بی نوع خرد و حق
مساوات و مقابل معاکم میباشد - حقوق شخصی را با نام
عطا فرموده ۰ اند: اول (حق حیات حریت - پ)
عطا فرموده ۰ مساوات - عطا فرموده در هر یک چهارگانه آن حاصل
میشود اول حریت شخصی در هر یک از آن - حریت
انسانیت میباشد غیر از قبیله و نژاد قوانین عمومی است که در
قبول آن وضای ملت باشد در سایر تکالیف موجوده منتهی
آزادی را افاده میکند - حریت تنگ این است که هیچ فردی
حق ندارد که در ملک مربوطه و اصحاب شخصه کسی که
عنان مقدراتش بدست صاحب آن باشد تجلی کند - تسلیم
حق حریت در ملک هر یک از اینها شده ترقی آن است حریت
بقیه در صفحه ۳

مکاتیب وارده :

مدیریت نشریات رادیو کابل که به اساس خبر ازادس دلخک رسماً اطلاع میدهند که به پاس قدرشناسی یک مشت پول برای تکفین و تدفین محمود خان طبله چی داده اند - (ما از لطف شان تشکر نموده و از صحت خبر ازادس دلخک بمنو نسیم)

شاغلی غلام حضرت خان وکیل گاهیمستقیماً ما را بر قاتون مطبوعات تو همین بمقائسون و ملت خوانده و از قاتون مذکورہ متا پیش کرده اندای کاش شاغلی وکیل از نظر یک مدعی مدخصین قاتون و حقوق - مخصوصاً سرمقاله مجله اقتصاد به قلم آقای محترم معصومی در مورد قاتسون مطبوعات آگاه می بردند تا بر ما خورده گیری نمیکردند - اساساً تنقید برای اصلاح و ارتقاء جامعه بوده و اگر تنقید را تو همین بهانه و قاتون و ناسند شاغلی وکیل حکم تکفیر صادر نمیکردند - امروز در همه گیتی یک قاتون صالح بوجود نی آمد (تا جا شک اداره اطلاع ندارد محدودی در روز تصویر قاتون مذکور هم تنقید خوش را اظهار کرده)

شاغلی خواجه خیر محمد خان مشکین از شاه شهید علیہ الرحمہ بمنو هستند که شرکت سرویس بحال اطفال - معصوم و مأمورین فقیر کارته شاه شهید تققدی نموده و به دو سرویس را هم با نظرف بکار اندازند -

شاغلی م اصغر خان غریب با اشاره به مضمون آقای آینه در شماره دوم نداه خلق - از مردم رجا میکنند که اگر کار کنندان حکومت غم نمان و آب و برق و خانه مردم را ندارند و چیزی در مرکز در هیچ جا آب صحت وجود ندارد باید اشخاص ملی سر مایه های شخصی خود را باهمن امیر خیره وقف نمایند (بفکر مادرین امور مفاد بزرگی است کاش بهی لداران ملتفت شوند)

تاریک ترین خبر های شب

ازادس دلخک اطلاع میدهد که در اثر وجود آمدن سه جویده ازاد ملی با اجازه روسی دولت و بمشراعات آنها مطابق با اساسات حق و دیمو کراسی و عدم جمله برافرا د باژ هم عده که سیر دیمو کراسی در مملکت مفاد شخصی آنها را تهدید میکند در صد اند افراد قهایل و بسا بعضی از حضرات ملا صاحبان و امیرتسانی که باارشد به گردن کارکنان روزنامه ها انداخته و باین صورت عرج و

شاغلی دهل انترنیشنل

یک نفر موتران داد میخواهد

بعد القاب - بنده یک فرد از طبقات خیلی غریب امین مملکت میباشد که چون نامه ملی نداه خلق آینه آرزو ها و تمسکات سایر افراد وطن و با لخاصه اشخاص همچو من است میخواهم باین وسیله درد دل خود را بشما بنگارم تا اگر لازم است مستعد به نشر ان اقدام خواهید فرمود - مشغولیت بنده در راهروی و با معیارت ساده تو موتر رانی است - دارای پنج نفر عایله میباشم - تنها وسیله معیشت همین معاش موتر رانی میباشد و بس - تصور نکنیند که موتران عایدات خیلی زیاد دارد و از هر خصوص گذاره اثربدرستی خواهد شد (و شاید هم درست باشد) اما ان اشخاص میترانند بجا های مانند نقلیات دولتی - شرکت سرویس و غیره توکر شوند که دلبرای واسطه با رسوخ بوده و یا مینتی بطرز شوت دهند و خود را چه بکشند اما بنده سه واسطه با رسوخ دارم و نه چه و دیتباری بمساء مدتی عقب تو کوی سر گردان شدم - شبهارا فاقه با عایله خود بسر بردم - بهر دری سر زدم و بد بختانه جواب منفی شنیدم - بالاخره بعد از چندس فر لوآن بشرکت امامک با صد عجز و بهاز و آه و زاری داخل تو کوی گردیده و کارم رسانیدن سنگ و چوب و غیره مصالح تعمیراتی بود - بانسند من چند نفر دیگر نیز در آنجا تو کوی بودند از بخت بد بنده شرکت مذکور چهار ماهه معاش را بریان را معطل نموده - بداد و فریاد ما گوش نمیداده و در نتیجه انقدر بهریشان گردیده ایم که نمیتوان انرا شرح داد - بعد از عرض و داد زیاد رئیس صاحب شرکت تنزل نموده و بسلام ماسری جنبهاتید و با یک عالم قهر و غضب بما فرمود که چون موترها را بنسا به خوابی بپزه ها مدتی بکار مانده لهذا نمیتوانیم که معاش شمار لپوره د هم سه ماهه معاش را بدست ما داده و یک ماهه معاش در قیمت بپزه ها داده نمیشود - معلوم است که بپزه هر ما شهن بعد از استعمال زیاد خراب میشود و موتران ضامن خراب شدن موتر نیستند - داد و فریاد زدیم - قدر کردیم - بیودی تو کرد و اخیراً فرموده شد بپزه دست تان ازاد من بول بقت یکی داده نمیتوانیم و با احتمال چند گانه بقیه در صفحه ۳

موضوع تولید دولت علیه را با اقدام بجهت نشان دهند اما باید (الراضی بامر اله)

شاغلی سید احمد شاه هاشمی

مجادله ارتجاع و تجدد

تغیر و تحول ناموس جهان افریننده است - هیچ چیزی در گیتی وجود ندارد که ازین سنه سر بتابد - گمان ننگید که اسمائی از آغاز پیدایش خود بهمین صورت بوده و همیشه بطور خواهد ماند - گمان ننگید قطعه ارض از روز نخست همین طور آباد و معمور - با شان و شکوه - مزبورم بوده - بل وقتی را طی کرده که صفحه انرا آب و یخ پوشاند و جز پنجگال چیزی نبود - ازین تحول محسوس و بعضی تا مرثی میباشد آنچه مشهود است طبعاً در طول زندگی ما حادث گردیده و قابل رویت است - اما آنچه غیر محسوس است یا از حوزه زندگی ما خارج بوده و ما طوری بکندی و درنگ حادث میگردد که طول زندگی ما برای درک یک اثر بارز آن کفایت ندهد - دو پاجناب دقیق است که ما ان را دیده نمیتوانیم - انسان که جزو جهان افریننده است هم باین قانون محکوم بوده و مواحل مختلفی را طی میکند مثل تحول در جسم - قوه - عقل - جسارت - اخلاق - سبیه و بالاخر تحول در کلیه مظاهر باطنی و ظاهری - مادی و معنوی - چون اجتماع از افراد متشکل است فلذا جامعه نیز باین تحولات معروض بوده و بحکم ناموس طبیعت مانند افراد جوامع نیز تولید شده نموده - جوان شده - پخته گشته - پیر شده و اخیراً میبرد - پس این تحول رنگ و ماهیت و شکل را تجدید میمانند جوامع بشری دایماً باین توقف مقدر محتاج به تجدیدند زیرا در قانون افریننده و طبیعت سکون مطلق وجود قطعی وجود ندارد - این نیز تکامل و مجادله بشری با قوای طبیعت و محیط که اثر فطری است اما در سرشت انسان نیز بعضی خاصه تجدد موجود است که ما انرا ارتجاع و کهنه برستی مینامیم - این دو قوه در تمام مظاهر اجتماعی ما هم در تصادم و مجادله بوده و خواهد بود - هر وقتیکه دین - مذهب یا عقیده سیاسی و مفکوره علمی جدیدی مظهر رسیده با قوه ارتجاع پیوستگی و کهنه برستی و اطاعت کور کورانه اساطیر آسمانی مواجه و مجبور بمبارزه خوب نیستی میگردد - همه ادیان سماوی مخصوصاً قرآن حمید اینگونه مردمان لا عقل و کهنه برستی را نکرده اند و در مخالفت رای و عمل شانوا مکرر اعلان میکند .

شاغلی عبد الحمید خان یوسف زی

وحدت ملی

یگانگی عامل نجات و کلید سعادت قوم بوده و مرام و ایزوی حقیقی هر فرد ملت است - از روزی که ملل غرب بفکر جهان کشائی و استعمار افتاده اند - بزرگترین سلاح شان تولید نفاق و پارچه پارچه ساختن قطعات زمین مثل افریقا و امریکا و مخصوصاً آسیا بوده و ما هم این زهر جانکاه را از یک قرن پیش باینطرف در پیماله داریم - تا ممکن بود که وسيله دیگری در ملکت کوهساری چون افغانستان یا مردمان سلحشور - و طغخواه و فداکاران کاری از پیش برود - ولی نهاسه شوم تفرقه و سها درت خوب کار گرفتار افتاد - هر گاه خواستند ما بر سر و روی هم افتادیم و داد و ستد و جدال میدادیم - پس ای هموطنان گرامی! بخرید آئیند - نفاق شما و تجزیه شما بتمامهای پشتون - تاجک - اوزبک - هزاره غایب در شتابان شما است - اگر سعادت خرد و وطن خرد را طالبیت بشود و در مقابل هر متجاوز همچو مشت آهنین باشد - بقیه حقوق ما عمل تضمین کسب ازاد بوده و حریت نشر خیالات عبارت از ازادی در تحریر و اجتماع است - یعنی هر فرد حق دارد آرزو و مفکوره خود را ازادانه نشر و در زیر هر مفکوره سیاسی بخواهد ازادانه جمع شود و ازادانه از حقوق خود دفاع نماید - منظم تقید نماید - مساوات که تفریق بین فقیر و غنی و غیره امتیازات بین مددطلبی را با استثنای خدمات امتیازات و فداکاری را محو سازد - در خانه ازاداره مستقل مطبوعات مجلس حقوقی بین المللی با تفصیل نشر فرماید .

در شت و رکب ما را از دروازه دفتر خورشید بیرون راند - اگرین شما که حامی غربا هستید قضاوت فرمائید که اگر شخص را که برای خدمت استخدام میکند اگر شایسته باشد داشتن کار جدیدی ازو کار نگیرید اما مستحق مصاحبه است .

کشف و پنهان (لست)

قرار خیر آزادی و دلخیز وزارت معارف بکشف و پنهان لست - برای تریبیه موفق شده و جدا امر کرده است که در تمام کتابت متوسطه و ابتدایه به پنهان و سبب استعمال شود - (ما از پوست کواکب میگویم که باس انسانیت این کشف بزرگ را خریداری و در همه دنیا استعمال نماید .

بقیه سر مقاله

شاغلی معمارزاده

پهشهاد خلق

راحت و آسایش دارند در سایه همین فداکاری هاست و
 برای قوم عزیز شما مرکز و منبع همه قوت ها و قدرت های
 مادی و معنوی بوده و همه چیز از شما ساخته شده می
 تواند ایام زنده می تواند که با هیچ یک پدر مرد همسوی
 کرد. - مقام و مرام شخص خود را پس پیا زده و تمام معنی
 مادی و معنوی خود را برای خدمت ملت و مملکت ایثار نمائید؟ رضه اند *

یقین بدانید ما و شما چند روزی بوده ولی ملت
 مملکت و نسل و نژاد ما صراطی لای دارند - ما و شما -
 امروز و فردا مسئول همه بد بختی های خاک بوده و -
 مبارزه برای حقوق و حفظ نوا میس آن نوز غری همه ما و شما
 است - امروز چشم یک ملت فقیر و پر همت - چشم بیسوی
 زن و بچیم - چشم آنها تریک سو به * شان از حیوانات پست
 تر است بیسوی ما و شما بوده و پدران فقرو محتاج ما که
 تمام جان کنهها و عرق ریزهها و اخیر هم ریاضت و فاقه د
 و گریهها و بدبختی کنن می یابند از قبر بیسوی ما نگران موافق بوده
 برده و هر دقیقه مارتهدید و تشویق می نمایند - که برای
 دفاع از حقوق مشروع قوم و حفظ نوا میس مملکت و ارتقاء و
 عمران خاک خویش ایثار و فداکاری نمائیم - سعادت
 و شرف - راحت و عزت خورد و بزرگ ما همین خاک مربوط
 بوده - و از آنرا غش ما است که برای منافع خاک و منافع شما
 خود مبارزه و جان نثاری نمائیم * (عطا می)

همان که راحت کنیم :
 وقت صداقت رسد تیر شورت کنیم
 راستی از مردمان دیده قناعت کنیم
 چینه ما غالب است حاشی بهر گوشه *
 یکی و در سال دیگر بچیکه راحت کنیم
 بهر رفیقان اگر عرض کنیم از صفا
 ترک قسم یابد ارض خیا تمه کنیم
 تلخ و ترش میشود رفیقم از راستی
 میگه که دیوانه همان که راحت کنیم
 صدق و صفا یعنی چه راستی اندر کجا؟
 از سخن این وان ترک سعادت کنیم
 قول و کن عمل کجا توافق کنیم
 بهر هر کس شدن چرا حیا قه کنیم
 طالع مدد گلو شد رتبه و چو کی رسید
 بها بگرییم پول چرا شکایت کنیم
 بقوت زور و پول پارتی خو بخوردا
 بطرز معقول و خوشحالی حمایت کنیم

ای بسا جوانهای آراسته که از دم این طاعت با انگور
 قصر - باغ - و ترو غیره یا لا خرم میوه خود را با جشنهای
 گر همان در حجله اغیار یافته اند و دخترائی هم در اثر
 جفای پدر طماع از بلوان گزیده - جدا و زنده در گور
 پدر و مادر دخترهای جوان بر رواج یکدیگر - چو دختر -
 بازار گران می فرو شد * * * * * مقررات شرح آید - توصیه *
 مقامات و گفتار مردان خیر خواه ابدان غرضی در آنها اند
 شده جوانهای مجرد و دو شیوگان می شوهر درافزایش است
 نظر بهات و در خراسان دختر داران همانا چیز هائی است
 که انسان را از داماد شدن توبه میدهد *

رو حایون گوام البته با چنین او ضاع پدرها
 - جانی دگر جوانها در تسهیلات ازدواج
 بر ضد این خرافات و احجاف هرگاه جوانها اتحادیه تشکیل
 دهند - در مقابل مواضع خلاف تهذیب و دین که در راه
 زنا شرعی استوار شده - مبارزه نمایند و در مردان و نوج
 ها * * * * * دستگاه و لرسی و تحقیقات بصورت آبرومندان
 از طرف طمأنه اعلام برپا باشد - اما برین فساد هم بزرگ
 جامعه موثر است و با خیر * * * آنها عدالت اجتماعی و -

نسیبند سید ظهیرالدوله ^{پدر} و پنهان خدا و بهیمیر مستلزم آن نیست * * *
 خوب است پدر و مادر دختران ناهزدی برای دختر شمان
 پورا شد * * * * * یکی اگر تو سید دیگری رسد *

شرح اشتراك

کابل	-	۴۰	افغانی سالانه
ولایت	-	۴۵	در
خارج	-	۵	دالر در

قیمت يك شماره ۵۰ پوول

بطیعت - گفتند شخص دانا خلق - کابل